



۱

در بیت زیر، نقش دستوری "بهشت" و "او" به ترتیب کدام است؟
 "بهشت اگرچه نه جای گناهکاران است
 بیار باده که مستظهرم به همت او"

(۱) نهاد، نهاد

(۲) نهاد، مضاف‌الیه

(۳) مفعول، نهاد

(۴) مفعول، مضاف‌الیه

۲

در کدام ترکیب (ها) نادرستی املایی هست؟

(۱) سرزمین سبا، طیب زخم‌ها

(۲) استعمال توتون، سدّ نفوزناپذیر

(۳) مهتر و بزرگ‌تر، مایه عزّت و افتخار

(۴) عدم و وجود، کاغذ معطر

۳

میرزا محمدصادق امیری معروف به ادیب‌الممالک فراهانی شاعر کدام دوران بود؟

(۱) قاجاریه

(۲) صفویه

(۳) غزنویان

(۴) سلجوقیان

۴

در بیت زیر می‌توان گروهی اسمی پیدا کرد که نقش دستوری آن است و صفت اشاره دارد.
 "این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد
 اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند"

(۱) نهاد

(۲) مفعول

(۳) مسند

(۴) مضاف‌الیه

۵

در بیت زیر، نقش دستوری هسته گروهی که صفت شمارشی دارد چیست؟
 "پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت
 من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم"

(۱) نهاد

(۲) مفعول

(۳) مسند

(۴) متقم

۶

چندتا از واژه‌های زیر، نقش دستوری نهاد دارند؟

(الف) دل آزرده ما را به نسیمی بنواز: دل

(ب) سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات: حیات

(ج) یار مه روی مرا نیز به من باز رسان: یار

(د) تو نازک‌طبعی و طاقت نیاری: تو

(۱) یکی

(۲) دو تا

(۳) سه تا

(۴) چهارتا

"..... عشق و رونق عشاق می‌برند
عیب جوان و سرزنش پیر می‌کنند"

- (۱) مسکن
(۲) مأوا
(۳) خاندان
(۴) ناموس

- (۱) بدان که به قدر فهم مستمعان می‌گویم: به اندازه درک علاقه‌مندان سخن می‌گویم.
(۲) دل رمیده ما را انیس و مونس شد: دل نگران ما با او همدردی کرد.
(۳) میهنی که از گستاخی‌های دشمن خون دل‌ها خورده: وطنی که از قدرت دشمن رنج‌ها کشیده است.
(۴) حیف است طایری چو تو در خاکدام غم: جای افسوس است که پرنده‌ای مثل تو در این دنیای غم‌آلود اسیر باشد.

- (۱) دو کتاب خواندنی
(۲) این مرد دانا
(۳) خانه زیبای ما
(۴) آن چهار دانش‌آموز

- (۱) شمایل: چهره
(۲) شکبیا: بردبار
(۳) خوف: ترسو
(۴) پوپک: شانه‌به‌سر

- (۱) هرکه را دیدم درین عبرت‌سرا
بهر مردن زندگانی می‌کند
(۲) آن‌که لعلش عین آب زندگانی یافتیم
در رهش مردن حیات جاودانی یافتیم
(۳) سر خود دور نه گر کاردانی
که مردن بهتر از این زندگانی
(۴) کوشم به زندگی و نالم به گاه مرگ
زین زندگی و مرگ که بوده‌ست شرمسار

- (۱) نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید
فغان که بخت من از خواب در نمی‌آید
(۲) صبا به چشم من انداخت خاکی از کویش
که آب زندگی‌ام در نظر نمی‌آید
(۳) قد بلند تو را تا به بر نمی‌گیرم
درخت کام و مرادم به بر نمی‌آید
(۴) بسم حکایت دل هست با نسیم سحر
ولی به بخت من امشب سحر نمی‌آید

- (۱) مشروطه، سلمان هراتی
(۲) صفوی، سلمان هراتی
(۳) مشروطه، محمود حکیمی
(۴) صفوی، محمود حکیمی